

بررسی تطبیقی اصطلاح‌نامه معارف اسلامی و علوم قرآنی



کارشناسی ارشد مطالعات آرشویی دانشگاه تهران، کارشناس برنامه و امور هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دکتری زبان شناسی همگانی، استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری ایران

کارشناسی حقوق، کارشناس امور فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران

تورج حیدری*

ملوک السادات حسینی بهشتی

الهام بساطی

پذیرش: ۹۶/۰۲/۲۴

دریافت: ۹۵/۰۴/۰۲

فصلنامه علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا(چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱
شاپا(الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱
نماینده در SCOPUS و ISC
<http://jlist.irandoc.ac.ir>
دوره XX | شماره X | صص XX-XX
۱۳XX X

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای و نقاط قوت و ضعف دو اصطلاح‌نامه معارف قرآنی و اصطلاح‌نامه علوم قرآنی است. در جامعه کنونی که مدارک به صورت الکترونیکی نگهداری می‌شود، بازیابی و اشاعه اطلاعات برای توسعه پژوهش، اهمیتی به مراتب بیشتر از ذخیره مدارک یافته و اصطلاح‌نامه که مبنای نمایه‌سازی در علوم گوناگون به شمار می‌رود، یکی از راهکارهای ذخیره‌سازی، سامان‌دهی و طبقه‌بندی اطلاعات در علم اطلاع‌رسانی در دهه‌های اخیر است. روش پژوهش مطالعه تطبیقی است و بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای با روش تحلیل مقایسه‌ای است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و با کنار هم گذاشتن آنها بر اساس معیارهایی نظیر امتیازات، کاستی‌ها، حذف اصطلاحات و ناهماهنگی در سیستم ارجاعات، دو اصطلاح‌نامه مقایسه شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که هر چند اصطلاح‌نامه علوم قرآنی از مقدمه مفید و وسیع‌تر و منابع بیشتری نسبت به اصطلاح‌نامه معارف قرآنی استفاده نموده است، از لحاظ محتوایی همانند اصطلاح‌نامه معارف اسلامی عمل کرده است. ضمناً دو اصطلاح‌نامه فاقد توسعه دهنده و پشتیبان می‌باشند؛ زیرا افرادی که اصطلاح‌نامه‌ها را روزآمد نگه می‌دارند، باید به نظام‌هایی که نیازهای اساسی اصطلاح‌نامه را مترفع می‌سازند، دسترسی داشته باشند و از نرم‌افزارهای مدیریت اصطلاح‌نامه استفاده نمایند که بعضی از پژوهشگاه‌ها و مراکز دیگر این کار را انجام می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، بازیابی، اصطلاح‌نامه معارف قرآنی، نمایه‌سازی، مقایسه.

*پدیدآور رابط: تورج حیدری toraj_heidari@yahoo.com

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

دورن متن:

(حیدری، تورج، زودآیند)

در فهرست منابع:

حیدری، تورج. زودآیند. بررسی تطبیقی اصطلاح‌نامه معارف اسلامی و علوم قرآنی پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات.

<http://Jipm.irandoc.ac.ir> (دسترسی در

روز/ماه/سال)

۱. مقدمه

«اصطلاح» ۱ واژه یا عبارتی مشخص است که برای گروهی از مردم معنای محدودی داشته و با معنای لغوی خود پیوند ویژه‌ای پدید آورده است (شریف جرجانی، ۱۳۰۶ق، ص ۱۳). اصطلاح‌شناسی ۲ علمی میان‌رشته‌ای است که موضوع تحقیق آن از سویی به شیء و مفهوم، شیوه تعریف و نام‌گذاری مفاهیم و از سویی دیگر، به سازماندهی مفاهیم یک رشته تخصصی به شکل نظام‌مند و کاربرد آن‌ها در زمینه‌های گوناگون علمی مرتبط است (حسینی‌بهشتی، ۱۳۹۲). اصطلاح‌نامه ۳ عبارت است از یک واژگان ساخت‌دار که روابط بین مفاهیم را از طریق تعیین روابط بین اصطلاحاتی که بیان‌کننده آن مفاهیم هستند، ارائه می‌کند (حسینی‌بهشتی، و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۵ (مقدمه). از این رو اصطلاح‌نامه در حقیقت با واژه‌نامه، لغت‌نامه، سرعنوان موضوعی و نمایه، جدایی آشکاری دارد، هرچند همگی در یک حوزه مشخص از علوم بشری و در یک شاخه مشخص از علم قرار می‌گیرند (شورای علمی اصطلاح‌نامه ۴ مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ص ۱۳-۱۶ و ۲۶-۲۸). اصل اصطلاح‌نامه: چون اصطلاح‌نامه به مهار واژگان و ردیابی، به یک روش منطقی و نظام‌مند می‌پردازد، پیشرفته‌ترین شکل از نمایه‌سازی است که الفبایی ارائه می‌شود (برائوتون، ۱۳۸۸).

هرچند آغاز جمع‌آوری و ثبت و ضبط اصطلاحات علمی را از قرون شانزده و هفده میلادی ذکر کرده‌اند، ولی خدمات ارزنده دانشمندان اسلام را قبل از آن تاریخ نباید نادیده گرفت. اسلام در آغاز قرن هفتم میلادی طلوع کرد و مبدأ تاریخ آن (هجرت پیامبر اسلامی - صلی الله علیه و آله - از مکه به مدینه) سال ۶۲۲ مسیحی است. در آخر همان قرن بر سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا و اسپانیا گسترش یافته بود. درست به همان صورت که دین اسلام خود «میانه راه» است، قلمرو آن نیز میانه تا زمین گسترش یافت. امروز هم کمربند میانی زمین از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر جایگاه اسلام است. در این ناحیه که زادگان چندین تمدن قدیم‌تر بود، اسلام با بخشی از علوم تماس پیدا کرد و آن‌ها را تا حدی که با روح اسلام و زندگی فرهنگی مسلمانان سازگاری داشتند، جذب نمود (مرکز مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی، اصلاح‌نامه علوم قرآنی، ۱۳۷۶، ص ۱۱، مقدمه). مشهورترین اصطلاح‌نامه‌ها عبارت‌اند از: اصطلاح‌نامه یونسکو (Unesco thesaurus) (با ویرایش‌های گوناگون) درباره اطلاعات علمی - فنی، اصطلاح‌نامه اریک (Thesaurus of Eric) درباره تعلیم و تربیت و به زبان فارسی،

- 1 . Term
- 2 . Terminology
- 3 . THESAURUS

۴ - شورای علمی اصطلاح‌نامه که مسؤلیت تدوین این اصطلاح‌نامه را پذیرفته‌اند، عبارت‌اند از: آیت‌الله محمد هادی معرفت، دکتر عباس حرّی، حجج اسلام آقایان: محمد هادی یعقوب‌نژاد، جواد غفاری، علی عسگری یزدی و با تلاش و همکاری گروهی دیگر از پژوهشگران.

اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا) و اصطلاح‌نامه نظام مبادله اطلاعات (نما)، [ترجمه اصطلاح‌نامه اسپانز، ویرایش دوم اصطلاح‌نامه یونسکو] است (فولادی، ۱۳۷۲ش، ص ۲۰).

در جهان اسلام در حوزه علوم قرآنی دو اصطلاح‌نامه مهم وجود دارد که هر کدام به نوبه خود بخش مهمی از اصطلاحات مربوط به قرآن و معارف دینی را مورد ریشه‌یابی قرار دادند. با این وجود تاکنون هیچ اثری به صورت مستقل این دو را با همدیگر مقایسه و تطبیق نداده است. هدف از مقایسه این دو اصطلاح‌نامه در این پژوهش آن است که از آن‌جا که این دو اصطلاح‌نامه هر کدام در نوع خود از اولین اصطلاح‌نامه‌ها در حوزه فرهنگی عرب‌زبانان و فارسی‌زبانان و فرهنگ دینی می‌باشند و در حوزه‌های علوم دینی و قرآنی کامل بود، لذا نیاز به مقایسه‌ای تطبیقی دیده می‌شد تا از دید کاربران بیرونی نیز مورد مقایسه قرار گیرد و اشکالات ظاهری و جزئی مشاهده شود.

در این مقاله نخست ساختار دو اصطلاح‌نامه از لحاظ ظاهری و شکلی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس به امتیازات، نقاط قوت و برجسته دو اصطلاح‌نامه پرداخته شده، در ادامه کاستی‌ها و حذف بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم و سپس ناهماهنگی‌هایی که در سیستم ارجاعات وجود داشته است، بررسی می‌شود.

۲- ساختار ظاهری اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و اصطلاح‌نامه معارف قرآن

اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و معارف قرآنی دربردارنده اصطلاحات کنترل شده زبان نمایه‌ای علوم قرآنی و معارف قرآنی است، به گونه‌ای که کیفیت ساختار به نمایه‌ها و موضوعات برگرفته از مدارک علوم قرآنی و معارف قرآنی را تعیین می‌کند. یک ویژگی ذاتی اصطلاح‌نامه، قابلیت آن در تمایز و نمایش روابط ساختاری بین اصطلاحات موجود در آن است (ایچینسن و دیگران، ۱۳۸۵).

ویژگی‌های مهم اصطلاح‌نامه: (۱) متکی بر نوشته‌ها و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه نظام باشد. (۲) سطح شکستگی و خاص شدن اصطلاحات در حد کافی و مورد نیاز باشد. (۳) پیش‌هم‌آرایی غلط و ارتباط نادرست اصطلاحات در هنگام بازیابی جلوگیری شود. (۴) با اعمال کنترل واژگانی: یعنی مهار کردن مترادفها، شبه مترادفها و نظایر آن (حریری، ۱۳۶۱).

۲-۱- اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

اصطلاح‌نامه علوم قرآنی^۱ در یک مقدمه نسبتاً طولانی (۸۴ صفحه) و نمایش الفبایی (۲۲۳ صفحه)، نمایش نظام‌یافته (۱۱۶ صفحه) و نمایش ترسیمی (۲۶ صفحه) و در حدود ۲۷۱ منبع و مجموعاً در یک جلد ۴۶۸ صفحه‌ای به استثنای منابع و مآخذ تنظیم و در دو فصل سامان یافته است که مقدمه شامل (دو فصل) فصل اول: اهمیت و اژه‌شناسی، نقش اصطلاح‌نامه در شناسایی منظم واژگان حوزه‌های تخصصی، نقش مسلمانان در واژه‌شناسی، کلیاتی در باب اصطلاح‌نامه (تعریف اصطلاح‌نامه، تاریخچه اصطلاح‌نامه، اصطلاح‌نامه‌های تدوین شده به زبان فارسی)، جایگاه اصطلاح‌نامه در نظام اطلاع‌رسانی (لزوم نظام‌مند کردن اطلاعات و مدارک، روش سازماندهی اطلاعات و مدارک، تعریف نمایه و نمایه‌سازی)، بررسی حد و مرز اصطلاح‌نامه و نمایه و ارتباط منطقی آن‌ها، نقش اصطلاح‌نامه در سازماندهی اطلاعات و مدارک، ابزارها و روش‌های مختلف ذخیره و بازیابی، نگرشی بر اطلاع‌رسانی در علوم اسلامی (گذری بر اوضاع اطلاع‌رسانی مسلمانان)، طرح تنظیم و سازماندهی اطلاعات علوم و علوم معارف اسلامی، نمایه‌سازی بر اساس ساختار اصطلاحات (نمایه‌سازی هم‌ار، نمایه‌سازی پیش‌هم‌ار، نمایه‌سازی پس‌هم‌ار)، مراحل نمایه‌سازی (جامعیت و مانعیت) می‌باشد. فصل دوم مقدمه شامل بخش‌های زیر است: ۱- انگیزه تدوین؛ ۲- تاریخچه؛ ۳- معرفی قسمت‌ها (واژگان عمومی، اصطلاح‌نامه‌های تخصصی)؛ ۴- روش کار (واژگان عمومی، اصطلاح‌نامه‌های تخصصی (روش ترکیبی و شناخت منابع، مطالعه و تحقیق در منابع، تعیین رده‌های اصلی با مطالعه اجمالی منابع، تصویب و تعیین روابط بین اصطلاحات، کنترل روابط و ارجاعات، حروف نگاری و برنامه‌ریزی)؛ ۵- برنامه‌های آتی؛ ۶- ساختار قابل گسترش و پویایی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی؛ ۷- تذکر و تقاضا؛ ۸- تنگناهای تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی (تعیین حوزه‌های علوم اسلامی - جمع‌آوری اصطلاحات، اختلاف مذاهب، اختلاف نظر اندیشمندان، تعبد و نص، تداخل مباحث علوم، شکل اصطلاحات (نگارش، صورت مفرد و جمع)، ۹- استانداردهای مورد توجه در تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی.

پوشش موضوعی مفاهیم: اصطلاحات این حوزه به یازده رده اصلی تقسیم شده که رئوس ساختار موضوعی حوزه علوم قرآنی را نشان می‌دهند که اساس کار نویسندگان اصطلاح‌نامه بر آن استوار بوده، به گونه الفبایی ردیف شده است و در زیر هر بخش، اصطلاحات آن به صورت الفبایی آمده است؛ از این رو همه اصطلاحات علوم قرآنی را به گونه الفبایی (در یک فهرست) در این بخش نمی‌توان یافت. افزون بر آن که اصطلاحات اعم و اخص

۱. شورای علمی اصطلاح‌نامه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلام، قم، ۱۳۷۶ش، ۱۸ص ۴۶۸.

در زیر هر اصطلاح مرجح نیامده است و اصطلاحات غیرمرجح در ردیف اصلی الفبایی هر رده (با حروف درشت) نمایش داده نشده، بلکه در زیر اصطلاح مرجح آمده است. به سخن دیگر در زیر بخش هر اصطلاح، علایم اختصاری (بک)، (ا.ع)، (ا.خ) دیده نمی‌شود. یازده رده عمده پذیرفته شده در این اصطلاح‌نامه که مجموعه اصطلاحات علوم قرآنی در زیر بخش این یازده رده فهرست می‌شوند، بدین گونه است: ۱- شناخت تاریخ قرآن؛ ۲- شناخت تفسیر و مفسران؛ ۳- شناخت قرائت و قراء؛ ۴- شناخت ترجمه و مترجمان قرآن؛ ۵- شناخت اعجاز قرآن؛ ۶- شناخت اسلوب ادبی قرآن؛ ۷- شناخت اوصاف و فضایل قرآن؛ ۸- شناخت تقسیمات قرآن؛ ۹- شناخت کلمات و حروف قرآن؛ ۱۰- شناخت قرائت و تجوید قرآن؛ ۱۱- شناخت دلالت الفاظ قرآن و رده‌هایی جزئی و فرعی در زیربخش آنها قرار می‌گیرند.

فصل دوم، بخش اول کتاب، نمایش الفبایی اصطلاحات است که صفحات ۹۹-۳۲۳ کتاب را به خود اختصاص داده است. در این بخش همه اصطلاحات پذیرفته شده، بر اساس حروف الفبا، سامان یافته و در زیر بخش هر اصطلاح مرجح (اصطلاحی که نسبت به مترادفاتش رجحان دارد) به تناسب، اصطلاحات رأس، وابسته، اعم، اخص، غیرمرجح و نیز یادداشت دامنه (توضیح مختصر درباره اصطلاح) و عبارت راهنما، آورده شده است؛ مانند آیات [یادداشت دامنه] ی.د: اسامی آیات قرآنی که به لحاظ مورد، اخص از آیاتند، به مدخل اسامی آیات ارجاع داده شده است.

[اصطلاح غیرمرجح] بچ: آیه [اصطلاح اعم] ا.ع: تقسیمات شکلی قرآن

[اصطلاح اخص] ا.خ: آیات آفاقی

[و (۶۰) اصطلاح اخص دیگر]

[اصطلاح وابسته] ا.و: آخرین آیه

[و (۲۵) اصطلاح وابسته دیگر] (شورای علمی اصطلاح‌نامه^۱ مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ص ۱۰۱.

اصطلاح (آیات)).

۱ - شورای علمی اصطلاح‌نامه که مسؤولیت تدوین این اصطلاح‌نامه را پذیرفته اند، عبارتند از: آیه‌الله محمد هادی معرفت، دکتر عباس حرّی، (حجج اسلام آفایان): محمد هادی یعقوب نژاد، جواد غفاری، علی عسگری یزدی، و با تلاش و همکاری گروهی دیگر از پژوهشگران.

فصل دوم، بخش دوم کتاب که نمایش دومی از همان اصطلاحات بخش اول است با عنوان «نمایش نظام یافته»، صفحات ۳۲۵-۴۴۲ را به خود اختصاص داده است. در این بخش یازده رده عمده علوم قرآنی که اساس کار نویسندگان اصطلاح نامه بر آن استوار بوده، به گونه الفبایی ردیف شده که این یازده رده در بالا ذکر شده است. فصل دوم، بخش سوم هم کتاب که صفحات ۴۴۵-۴۶۸ را در بر گرفته است، نمایش سلسله مراتبی اصطلاحات به چشم می خورد. این بخش شبیه (نمایش نظام یافته) است، با این تفاوت که تنها رابطه اعم و اخص اصطلاحات به شکل دوبعدی (حاکم و تابع) ترسیم شده است، بدین گونه:

علوم قرآنی؛

شناخت اسلوب ادبی قرآن؛

اسلوب بلاغی قرآن...؛

اسلوب بدیعی قرآن...؛

۱۳ ابداع...؛

[و ده ها اصطلاح دیگر].

بخش دوم و سوم کتاب در راهیابی به چگونگی ارتباط بین اصطلاحات (ترسیم درختی) بسیار سودمند و مفید است.

۲-۲- اصطلاحنامه معارف قرآن

اصطلاحنامه معارف قرآن^۱ با یک مقدمه هفده صفحه‌ای و در سه بخش نمایش الفبایی (۴۳۴ صفحه) نمایش نظام یافته (۲۱۲ صفحه) و نمایش ترسیمی (۵۴ صفحه) در حدود ۱۱۸ منبع و مجموعاً در یک جلد ۷۲۵ صفحه ای تنظیم شده است. در مقدمه مباحثی از قبیل ضرورت تدوین اصطلاحنامه، پوشش موضوعی، کاربرد آن و برخی از نکات جزئی برای دستیابی به محتوای کتاب گوشزد شده است؛ مانند مواردی که به صورت مصداقی برای رابطه و وابسته بیان شده است؛ اما درباره ریزه کاری‌های تدوین اثر و تصویب و ردّ برخی از اصطلاحات و نکات اصلی درباره ارتباطات منطقی اصطلاحات بحثی نشده است و از این رو خواننده باید با استقرای سیره عملی نویسندگان به برخی از اصول مد نظر در تدوین آن برسد.

۱- ۱. تهیه و تدوین مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم بوستان (مرکز چاپ و نشر دفتر تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۵. نوبت دوم چاپ ۱۳۸۶، ۷۲۵ص.

بخش اول: این بخش به نمایه الفبایی اصطلاحات اختصاص دارد. در این بخش اصطلاحات بر اساس ترتیب الفبایی ردیف شده و در زیر بخش هر اصطلاح مرجح، اصطلاحات مترادف، اعم و اخص و وابسته به تناسب و در صورت وجود آورده شده است. بخش دوم: این بخش نمایه دیگری از همان اصطلاحات پذیرفته شده قبلی با عنوان نمایش نظام یافته است. در این بخش چهار رده اصلی در نظر گرفته شده و اساس ساختار نظام یافته معارف قرآن بر آن استوار یافته است که عبارت‌اند از: جهان‌بینی، شریعت، شناخت‌شناسی و قرآن‌شناسی. هر یک از رده‌های یادشده به ترتیب الفبایی ردیف شده‌اند و در زیر هر رده، اصطلاحات مربوط نیز با نظم الفبایی آمده‌اند. در این بخش ردیف‌بندی اصطلاحات براساس رده‌هاست نه براساس اصطلاحات؛ از این رو همه اطلاعات معارف قرآن در این بخش در یک سیاهه الفبایی دیده نمی‌شوند. در این بخش اصطلاحات مرجح با روابط هم‌ارز و وابستگی با علائم اختصاری نمایان شده و اصطلاحات اعم و اخص با تورفتگی و بدون نماد اختصاری نمایش داده شده‌اند. بخش سوم: این بخش به نمایش ترسیمی اصطلاحات اختصاص دارد و از جهاتی شبیه بخش دوم است؛ با این تفاوت که فقط اصطلاحات اعم و اخص به شکل دو بعدی (حاکم و تابع) به صورت پلکانی، رابطه معنایی اصطلاحات با نقطه چین ترسیم شده است.

جدول شماره ۱ مقایسه ساختار ظاهری دو اصطلاح‌نامه

توضیحات	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	ساختار
مقدمه اصطلاح‌نامه علوم قرآنی جامع‌تر می‌باشد.	۸۴ صفحه	۱۷ صفحه	مقدمه
دو اصطلاح‌نامه خوب و جامع عمل نموده‌اند اما اصطلاح‌نامه علوم قرآنی بسیار کامل‌تر عمل کرده است.	مقدمه شامل دو فصل است: ۱. اهمیت و نقش اصطلاح و ...؛ و ۲. انگیزه تدوین؛ ۲- تاریخچه؛ ۳- معرفی قسمت‌ها؛ ۴- روش کار؛ ۵- برنامه‌های آتی؛ ۶- ساختار قابل‌گسترش و پویایی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی؛ ۷- تذکر و تقاضا؛ ۸- تنگناهای تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، ۹- استانداردهای مورد توجه در تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی می‌باشد.	در مقدمه مشکلات تدوین اصطلاح‌نامه، پوشش موضوعی اصطلاح‌نامه، کاربرد و فایده اصطلاح‌نامه، نقش اصطلاح‌نامه در نمایه‌سازی، تفاوت اصطلاح‌نامه با سرعنوان‌های موضوعی، اصول و ضوابط گزینش اصطلاحات و ایجاد روابط بین اصطلاحات، تفاوت اصطلاح‌نامه با سرعنوان‌های موضوعی و نقش اصطلاح‌نامه در نمایه‌سازی را بیان نموده است.	خصوصیات و ویژگی برجسته

تعداد بخش	سه بخش	سه بخش و دو فصل که خود مقدمه شامل دو فصل می‌باشد.
نمایش الفبایی	۴۳۴ صفحه	۲۲۳ صفحه
نظام یافته	۲۱۲ صفحه	۱۱۶ صفحه
نمایش ترسیمی	۵۴ صفحه	۲۶ صفحه
تعداد منبع	۱۱۸	۲۷۱
تعداد جلد	یک جلد	یک جلد
تعداد صفحه	۷۲۵	۴۶۸ صفحه‌ای با استثنای منابع و مآخذ تنظیم و در دو فصل سامان یافته است.
پوشش موضوعی مفاهیم	چهار رده اصلی، رده‌ها الفبایی ردیف شده‌اند، ردیف‌بندی اصطلاحات براساس رده‌هاست، نه براساس اصطلاحات.	یازده رده اصلی علوم قرآنی، رئوس ساختار موضوعی حوزه علوم قرآنی، به گونه الفبایی ردیف شده‌اند.

۳- امتیازات اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و اصطلاح‌نامه معارف قرآن

۳-۱- اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

اصطلاح‌نامه علوم قرآنی^۱ نخستین اصطلاح‌نامه در حوزه فرهنگی عرب‌زبانان و فارسی‌زبانان است و مفاهیم علوم قرآنی را که نهفته در پشت اصطلاحات است، به ذهن خواننده انتقال می‌دهد و رابطه اصطلاحات مترادف، اعم، اخص و وابسته را با یکدیگر تبیین می‌کند و استخوان‌بندی علوم قرآنی را به نمایش می‌گذارد. نویسندگان مقالات و کتاب‌های علوم قرآنی را یاری رسانده، در پژوهش‌های گسترده علوم قرآنی و تدوین پایان‌نامه‌ها، سودمند و کارساز است. در تدوین دایرةالمعارف علوم قرآنی و یافتن مدخل‌های مناسب، کارساز و همراه است. همچنین راه را برای نمایه‌سازان متون علوم قرآنی (و دیگر متون دارای بحث‌های علوم قرآنی) هموار می‌کند و مدرّسان علوم قرآنی را در طرح بحث‌های گوناگون یاری می‌رساند.

^۱ . اصولاً اصطلاح‌نامه هر علمی به فراخور آن علم، می‌تواند همه یا برخی از این امتیازات را به صورت اعم داشته باشد.

۲-۳- اصطلاح‌نامه معارف قرآن

اصطلاح‌نامه معارف قرآن اولین اصطلاح‌نامه معارف قرآنی در حوزه فرهنگ دینی است، رابطه معنایی اصطلاحات مطرح در معارف قرآنی، اعم از مترادف، اعم و اخص و وابسته را نشان می‌دهد؛ مفاهیم معارف قرآنی را که در قالب اصطلاحات نهفته است، به ذهن خوانندگان منتقل می‌کند؛ در تدوین دائرة المعارف‌های قرآنی و گزینش مدخل‌های مناسب و فراگیر، کارساز است؛ مدرسان معارف قرآنی، نویسندگان مقالات و کتاب‌های مرتبط با این حوزه را یاری رسانه و در پژوهش‌های گسترده قرآنی و تدوین پایان‌نامه‌ها سودمند است؛ برای نمایه‌سازی معارف قرآنی ابزاری مؤثر و کارآمدی است. همچنین ظاهراً این کار در نوع خود جزو نخستین تجربه‌ها بوده و الگوی خاصی نداشته است. ضمناً معارف قرآن در برابر علوم دیگر، علمی مستقل به شمار نمی‌آید و حد و مرز روشن و مشخصی ندارد تا بتوان اصطلاحات مربوط را به راحتی برگزید. معارف قرآن گستردگی فراوان دارد؛ از این رو اصطلاحات مرتبط با آن نیز فراوان و گردآوری آن‌ها زمان‌بر است. روابط حاکم بین اصطلاحات قرآن در مواردی با روابط حاکم بین رشته‌های سایر علوم مرتبط (کلام، فقه، اصول فقه و...) متفاوت است.

اصطلاح‌نامه‌ها فقط در صدد نظام‌دهی و تبیین ذات بین ذات مفاهیم یک علم است، بدون در نظر گرفتن اختلاف آرای مذاهب صاحب‌نظران و تنها به جایگاه معنایی اصطلاح در آن علم می‌پردازند و در مقام داوری نیستند؛ از این رو اصطلاحاتی مانند «ذبیح ابراهیم» که از نظر شیعه، اسماعیل^(ع) و از نظر اهل سنت، اسحاق^(ع) است، هر دو به عنوان «اخص» آن اصطلاح آورده است.

جدول شماره ۲ مقایسه ویژگی‌های دو اصطلاح‌نامه

امتیازات	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی
پیشینه قبلی	اولین اصطلاح‌نامه در حوزه فرهنگ دینی است و الگوی خاصی نداشته است.	نخستین اصطلاح‌نامه در حوزه فرهنگی عرب زبانان و فارسی زبانان است.
ویژگی برجسته	مفاهیم معارف قرآنی را که در قالب اصطلاحات نهفته است، به ذهن خوانندگان منتقل می‌کند، در تدوین دائرة المعارف‌های قرآنی و گزینش	مفاهیم علوم قرآنی را که در قالب اصطلاحات نهفته است، به ذهن خوانندگان منتقل می‌کند، در تدوین دایرةالمعارف علوم قرآنی و یافتن

مدخل‌های مناسب، کارساز و همراه است.	مدخل‌های مناسب و فراگیر، کارساز است.	
رابطه اصطلاحات مترادف، اعم، اخص و وابسته را با یکدیگر تبیین می‌کند.	رابطه معنایی اصطلاحات مطرح در معارف قرآنی، اعم از مترادف، اعم و اخص و وابسته را نشان می‌دهد	برقراری رابطه میان اصطلاحات

۴- کاستی‌های اصطلاح نامه علوم قرآنی و اصطلاح نامه معارف قرآن

توسعه‌دهندگان و پشتیبانان اصطلاح‌نامه باید توانایی ویرایش اصطلاح‌نامه و افزودن اصطلاحات جدید را داشته باشند. افزوده شدن یک رابطه جدید به اصطلاح‌نامه روی کلیه روابط موجود تأثیر می‌گذارد و نظام باید این تغییر و تأثیر را نشان دهد و امکان ویرایش موقعیت یک توصیفگر در یک سلسله مراتب و نمایش هم‌زمان سلسله مراتب چندگانه برای توصیفگرهای موجود باید وجود داشته باشد (محمدی، ۱۳۸۶).

۴-۱- اصطلاح نامه علوم قرآنی

آن گونه که از فهرست منابع و مآخذ اصطلاح نامه علوم قرآنی (کتابنامه) برمی‌آید، در تدوین این اصطلاح نامه از حدود ۲۷۱ عنوان کتاب بهره برداری شده است، (فهرست مآخذ و منابع (کتابنامه) حدود هفده صفحه از پایان کتاب را به خود اختصاص داده است که افزون بر حدود ۲۷۰ عنوان کتاب، عنوان ده مجله در حوزه علوم اسلامی (قرآنی و غیر قرآنی) و نه پایان نامه و جزوه نیز به چشم می‌خورد. این فهرست بسیار ناهماهنگ و ناموزون است و کاستی‌های صوری فراوان دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: نیاوردن علائم اختصاری (ق، ش، م = قمری، شمسی، میلادی) بعد از سال نشر (به جز در چند مورد)، نیاوردن علائم اختصاری (بی، جا، بی‌نا، بی‌تا = بدون مکان نشر، بدون ناشر، بدون تاریخ) به جز در چند مورد، نیاوردن تعداد مجلدات کتاب (به جز در چند مورد)، تقدیم و تأخیر در یاد کردن از مکان نشر و ناشر (در موارد فراوان)، اشتباه در یادآوری نام‌های نویسندگان، اشتباهات چاپی، اشتباه در ردیف الفبایی نام‌های نویسندگان، تبدیل نام‌های عربی به فارسی و بالعکس، نام بردن از یک ناشر با اسامی و القاب گوناگون، تکرار کتاب‌ها به علت پنداشتن دوگانگی آنها (شش مورد)، ذکر القاب نویسندگان و احتساب آن در ردیف الفبایی (همچون: حاکم، شیخ)، نیاوردن چندمین چاپ کتاب (به جز در چند مورد)، احتساب حرف (ال) در فهرست الفبایی، یاد کردن از یک نویسنده با چند اسم و لقب، پنداشتن مترجم به جای مؤلف، و...، گویا این فهرست به دست ویراستار سپرده نشده است) که بعد از جستجو و تأمل در آن، کاستی‌های

زیر به چشم آمد: ۱- با توجه به گستردگی مباحث علوم قرآنی و نیز فراوانی اصطلاحات آن، لزوم بهره‌گیری از منابع و مآخذ گسترده، بر اساس یک تقسیم منطقی و نظام مند احساس می‌شود. شاید بتوان گفت که مآخذ این کتاب نسبتاً محدود بوده و بر رده‌های یازده‌گانه پذیرفته شده علوم قرآنی - که تدوین این اصطلاح‌نامه بر آن اساس است و نیز دیگر مفاهیم عمده علوم قرآنی - سرشکن نشده است؛ مثلاً حدود پنجاه اصطلاح (مرجّح، غیر مرجّح، اعم، اخص و وابسته) درباره ناسخ و منسوخ در اصطلاح‌نامه وجود دارد که از شانزده عنوان کتاب اختصاصی (نسخ) استخراج شده است (به جز کتاب‌های عمومی علوم قرآنی). این بهره‌گیری و استحصال بر اساس شمارش کتاب‌ها و تعداد اصطلاحات، منطقی و پذیرفتنی است؛ ولی از تفاسیر کامل قرآن فقط به هشت عنوان تفسیر برمی‌خوریم و یا از مجموع منابع و مآخذ، حدود پنجاه عنوان کتاب را نوشته دانشمندان علوم قرآنی متقدم می‌یابیم. هم‌چنین در بحث (قرائات و تجوید قرآن) فقط دو کتاب اختصاصی از متقدمان را می‌یابیم. پرواضح است برای مقایسه اصطلاحات تخصصی یک علم در گذشته و حال، نگریستن در منابع متقدمان، متأخران و معاصران، برای دستیابی به سیر تطور و تحول اصطلاحات (در صورت وجود آن) و اطمینان از صحت و استاندارد اصطلاح، امری ضروری و منطقی است. ۲- در فهرست مآخذ به کتاب‌هایی بر می‌خوریم که ترجمه متون تخصصی قرآنی است، از این رو از متن اصلی آن استفاده نشده است؛ مثلاً از ترجمه‌های کتاب‌های حقائق هامة حول القرآن الکریم، اثر سید جعفر مرتضی‌عاملی، المعجزة الکبری، اثر محمد ابوزهره، التصوير الفنی فی القرآن و فی ظلال القرآن، اثر سید قطب اصطلاحات و مفاهیم، استخراج شده، ولی دست کم در کنار ترجمه به متون اصلی نگریسته نشده است؛ زیرا چه بسا مترجمی در برگردان اصطلاح به فارسی و معادل یابی آن دقت شایسته را به کار نبسته است، چون هدف اصلی او ترجمه متن است، نه گذاشتن برابر مناسب برای هر اصطلاح. ۳- بر خلاف آنچه در مقدمه کتاب آمده است، از فهرست مآخذ چنین برمی‌آید که در تدوین اصطلاح‌نامه، از لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها، کتابشناسی‌ها (قرآنی و یا علوم قرآنی)، معجم‌ها، و فهرست موضوعی تفاسیر به‌ندرت استفاده شده است. ۴- از تلاش‌های مؤسسات و مراکز پژوهشی که به گونه تخصصی و یا عمومی درباره علوم قرآن پژوهش‌هایی را اندوخته‌اند، بهره چشمگیری نبرده است.

در صفحات ۱۷۶-۱۸۶ و ۳۰۳-۳۰۷ کتاب، اصطلاحات مرکب فراوانی می‌بینیم که با واژه‌های تفسیر، تفاسیر و مفسران شروع شده است. از «تفسیر» معنای مصدری آن، و از «تفاسیر» کتاب‌های تفسیر و از «مفسران» نویسندگان کتاب‌های تفسیر اراده شده است. پس از مقایسه این اصطلاحات مرکب در می‌یابیم که اصطلاحات فراوانی حذف

و شبیه به آنها یاد شده است؛ در حالی که ظاهراً هیچ استدلالی در آوردن یک اصطلاح و نیاوردن یک اصطلاح شبیه به آن وجود ندارد؛ مثلاً تفسیر ادبی، تفاسیر ادبی و مفسران ادبی را می‌یابیم، ولی در کنار آن فقط به تفسیر قرآن به قرآن و تفاسیر قرآن به قرآن برمی‌خوریم و اصطلاح «مفسران قرآن به قرآن» را نمی‌یابیم. شمار این‌گونه اصطلاحات یاد نشده در این بخش، حدود ۷۵ مورد است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: تفاسیر بیانی قرآن، تفاسیر تابعین، تفاسیر دوران نهضت‌های اصلاحی، تفاسیر رمزی، تفاسیر تابعین، تفاسیر احکام قرآن، تفسیر احکام قرآن، مفسران عصر جدید، تفسیر تابعین شیعه، تفاسیر تابعین شیعه، تفسیر اصحاب ائمه، مفسران دوران نهضت‌های اصلاحی، تفسیر اتباع تابعین، مفسران فقهی و... .

همچنین در صفحات ۱۶۲-۱۶۸ و ۲۸۵-۲۸۸ اصطلاحات مرکب فراوان دیگری می‌بینیم که با واژه‌های «ترجمه‌های» و «مترجمان» شروع شده است؛ مانند: «ترجمه‌های آسیایی قرآن»، «مترجمان آسیایی قرآن» یا «ترجمه‌های آلبانیایی قرآن»، «مترجمان آلبانیایی قرآن» و... ولی ۴۱ اصطلاح «ترجمه‌های... قرآن» وجود دارد که اصطلاح «مترجمان... قرآن» برای آن آورده نشده است که شش اصطلاح از این شمارش، مفهوماً از بحث خارج است، ولی ۳۵ اصطلاح دیگر با ترکیب «مترجمان... قرآن» حذف شده است، در حالی که در مآخذ ترجمه قرآن، از آن مترجمان و یا اصطلاح «مترجمان... قرآن» نام برده شده است. برخی از آنها این گونه‌اند: مترجمان اردویی قرآن، مترجمان پشتویی قرآن، مترجمان ترکی قرآن، مترجمان لاتینی قرآن، مترجمان کلاسیک قرآن، مترجمان کردی قرآن و... .

اگر گفته شود که این اصطلاحات اخص بوده و در اصطلاحات اعم، تنها واژه (مترجمان) آورده شده است، ظاهراً نیکو به نظر نمی‌رسد، افزون بر آن که به این موارد در هیچ‌جا از کتاب اشاره نشده است تا استفاده‌کننده با پیش‌فرض‌های اصطلاح‌نامه‌نویسان آشنا گردیده باشد. در همین‌جا یادآور می‌شویم، با تورق و جستجو در چهار کتاب درباره ترجمه قرآن و تاریخ آن، حدود هشتاد اصطلاح مرجح و غیرمرجح به دست آمد که سزاوار بود - با توجه به سبک و سیاق اصطلاح‌نامه - از آنها یاد گردیده و در اصطلاح‌نامه فهرست می‌شد. برخی از آن اصطلاحات این گونه است:

ترجمه‌های سریانی قرآن، مترجمان سریانی قرآن، ترجمه‌های ارمنی قرآن، مترجمان ارمنی قرآن، ترجمه‌های ازبکی قرآن، مترجمان ازبکی قرآن، ترجمه‌های عبری قرآن، مترجمان عبری قرآن، ترجمه‌های ترکمنی قرآن، مترجمان ترکمنی قرآن، ترجمه‌های کشمیری قرآن، مترجمان کشمیری قرآن، ترجمه‌های ویتنامی قرآن،

مترجمان ویتنامی قرآن، ترجمه‌های بوسنیایی قرآن، مترجمان بوسنیایی قرآن، ترجمه‌های بلوچی قرآن، مترجمان بلوچی قرآن. ولی در اصطلاح‌نامه حدود ۶۵ ملیت، زبان و لهجه دنیا در قالب اصطلاحات «ترجمه‌های... قرآن» و (مترجمان... قرآن) فهرست شده است و از موارد یاد شده و نیز ادامه آن، اصطلاحی آورده نشده است.

۲-۴- اصطلاح‌نامه معارف قرآن

در تدوین این اصطلاح‌نامه از ۱۱۸ کتاب استفاده شده است که بعد از بررسی و تأمل در آن، موارد زیر به نظر رسید. با توجه به گستردگی مباحث قرآنی و فراوانی اصطلاحات آن، نه تنها ذکر منابع وسیع ضروری است که باید بر اساس یک تقسیم منطقی و درجه‌بندی منابع، بسامد بهره‌برداری از آنها در اصطلاح‌نامه مشخص می‌شد. شاید بتوان ادعا کرد که مآخذ انتخاب شده محدود بوده و بر رده‌های چهارگانه معارف قرآن که تدوین این اصطلاح‌نامه بر آن اساس است و نیز دیگر مفاهیم عمده معارف قرآنی سرشکن نشده است. از تفاسیر کامل قرآن فقط به ۲۴ عنوان برمی‌خوریم که البته عمدتاً از متقدمین اند و به‌طور کلی حدود نیمی از مجموع منابع و مآخذ تألیف دانشمندان متقدم است و بخش قابل توجهی (حدود ۵۳ عنوان) از متأخران و معاصران است. آثاری مانند المنجد فی اللغة تألیف لويس معلوف در مآخذ ذکر شده است که به عنوان منبع معارف واژگان قرآنی بایسته نیست. همچنین فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، اثر جلال‌الدین فارسی و حقوق خانواده که نمی‌توانند به عنوان مآخذ اصطلاح‌نامه معارف قرآنی مورد استفاده قرار گیرند.

در تدوین اصطلاح‌نامه‌ها، معمولاً علاوه بر فرهنگ‌نامه‌ها و دایره المعارف‌ها، از کتاب‌شناسی‌ها، نمایه‌ها و همچنین اصطلاح‌نامه‌های مرتبط استفاده می‌شود؛ اما در این اصطلاح‌نامه از کتاب‌شناسی‌های قرآنی، نمایه‌ها و اصطلاح‌نامه‌های متنوع که در حوزه علوم انسانی و سلامی نوشته شده، مانند اصطلاح‌نامه اصفاء، اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، اصطلاح‌نامه اصول فقه و نظایر آن نامی به میان نیامده است. با توجه به اینکه قرار است اصطلاحات معیار در این اصطلاح‌نامه شناسایی و روابط معنایی آنها به‌درستی توصیف شود، باید از تلاش‌های مراکز پژوهشی و مؤسسات و نیز منابع و مواد اطلاعات در دست آنها و دیدگاه‌ها و نظریات کارشناسی استفاده می‌شد که هیچ اشاره‌ای به این مهم نشده است.

جدول شماره ۳ مقایسه کاستی‌های دو اصطلاح‌نامه

کاستی‌ها	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی
----------	------------------------	------------------------

تعداد منابع	۱۱۸ منبع	۲۷۱ منبع
کیفیت منابع	در این اصطلاحنامه از کتاب‌شناسی‌های قرآنی، نمایه‌ها و اصطلاحنامه‌های متنوع که در حوزه علوم انسانی و اسلامی نوشته شده مانند اصطلاحنامه‌ء اصفاء، اصطلاحنامه‌ء علوم قرآنی، اصطلاحنامه‌ء اصول فقه و نظایر آن نامی به میان نیامده است.	در بعضی موارد از ترجمه متون استفاده شده و از متن اصلی کتاب استفاده نشده است.
نیاز به منابع بیشتر	با توجه به گستردگی مباحث قرآنی و فراوانی اصطلاحات آن، نه تنها ذکر منابع وسیع ضروری است، که باید براساس یک تقسیم منطقی و درجه‌بندی منابع، بسامد بهره‌برداری از آنها در اصطلاحنامه مشخص می‌شد.	با توجه به گستردگی مباحث علوم قرآنی و نیز فراوانی اصطلاحات آن، لزوم بهره‌گیری از منابع و مآخذ گسترده احساس می‌شد.
آیا از تلاش مؤسسات پژوهشی استفاده چشمگیری داشته است؟	از تلاش‌های مراکز پژوهشی و مؤسسات و نیز منابع و مواد اطلاعات در دست آنها و دیدگاه‌ها و نظرات کارشناسی استفاده می‌شد که هیچ اشاره‌ای به این مهم نشده است.	از تلاش‌های مؤسسات و مراکز پژوهشی که به گونه تخصصی و یا عمومی درباره علوم قرآن پژوهش‌هایی را اندوخته‌اند، بهره چشمگیری نبرده است.
مدیریت اصطلاح‌نامه برای توصیفگرهای جدید وجود دارد	خیر	خیر

۵- حذف اصطلاحات و مفاهیم اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و اصطلاح‌نامه معارف قرآن

۱-۵- اصطلاحنامه علوم قرآنی

در یک بررسی منطقی و مقایسه اصطلاحات با یکدیگر و ارتباط بین آنها و با نگرستن در چند مأخذ علوم قرآنی درمی‌یابیم که اصطلاحات فراوانی آورده نشده است، چه اصطلاحات مرجح (توصیفگر)، چه اصطلاحات غیرمرجح (غیرتوصیفگر) و چه اصطلاحاتی که آوردن آنها با سبک و سیاق اصطلاح‌نامه - آن گونه که در مقدمه آمده و از سیره عملی آن پیداست - سازگار است.

۲-۵- اصطلاحنامه معارف قرآن

در یک بررسی کوتاه و مقایسه اصطلاحات با یکدیگر و روابط آنها و با نگاه به چند منبع قرآنی درمی‌یابیم که اصطلاحات قابل توجه و مهمی، از جمله اصطلاحات متداول و مرجح و اصطلاحات غیر مرجح، شناسایی نشده و همچنین از کلیدواژه‌هایی که به سبک و سیاق آن اصطلاحنامه - چنان که در مقدمه آمده است - سازگاری دارد و باید آورده می‌شد، غفلت شده است.

برخی از اصطلاحات مشهورند و نیامدن آنها در نظام اصطلاحات سبب می‌شود که اصطلاحات معادل و مترادف نیز از قلم بیفتند، اصطلاحاتی که علاوه بر شهرت در قرآن آمده‌اند و در مآخذ فراوانی درباره آنها بحث‌های مستوفایی شده است که به تعدادی از آنها فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

اعراض/عرضه، عرض^۱، اب/کور مادرزاد،^۲ معلومات^۳ / معلوم.

جدول شماره ۳ مقایسه حذف اصطلاحات اصطلاح‌نامه

اصطلاح‌نامه علوم قرآنی	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	حذف اصطلاحات
اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات متداول
اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات مرجح (توصیفگر)
اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	غیر مرجح (غیر توصیفگر)

۱. این اصطلاح و مشتقات آن حدود ۱۰۰ بار در قرآن آمده و در مسئله سفر و اعراض از نعمت‌های الهی مطرح می‌شود و معانی متعددی دارد که با شکل‌های مختلفی مصطلح است.

۲. ابرء الاکمه و الابرض (نساء: ۴۹) همان‌طور که در اصطلاحنامه ابرص به پیس ارجاع شده، باید آکمه نیز به کور مادرزاد ارجاع شود.

۳. این اصطلاح در آیات حج به کار رفته است «الحج اشهر معلومات» (بقره: ۱۹۷) و به همین شکل دوبار در قرآن آمده است. ضمن آنکه «معلومات» می‌تواند جمع معلوم هم باشد و امروزه به جای «اطلاعات» در عربی به کار می‌رود و ممکن است با سه توضیحگر در اصطلاح‌نامه ظاهر شود.

۶- ناهماهنگی در سیستم ارجاعات

برای تعیین ساختار حوزه موضوعی و روابط بین اصطلاحی از فنون رده‌بندی استفاده می‌شود. همچنین استانداردهای تدوین اصطلاح‌نامه، بر اساس سه نوع رابطه بنیادی بین اصطلاحی تصریح می‌کنند. این رابطه‌ها رابطه ترادف، رابطه سلسله مراتبی و رابطه همابندی را شامل می‌شوند (ایچسین، و دیگران، ۱۳۸۵).

۱-۶- اصطلاحنامه علوم قرآنی

سیستم ارجاعات در فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها، فهرست‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها دارای دو فایده اصلی است: اول آن که خواننده را با اصطلاحات مترادف و شبه مترادف آشنا می‌کند؛ دیگر آن که در صورت تبادل یک اصطلاح غیر مرجح در ذهن خواننده، به آسانی می‌تواند با سیستم ارجاع به اصطلاح مرجح انتقال یابد؛ مانند: اعجاز ادبی، اعجاز بیانی قرآن (بک: اعجاز بیانی قرآن). آن گونه که از آمار داده شده در مقدمه کتاب برمی‌آید، تقریباً برای هر اصطلاح مرجح (توصیفگر) به طور میانگین، دو اصطلاح غیرمرجح (غیرتوصیفگر) وجود دارد، ولی با نگرش و جستجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن، دیده می‌شود که اصطلاحات غیر مرجح براساس یک تقسیم منطقی و برگرفته از نوع کاربرد اصطلاحات، انجام پذیرفته است؛ مثلاً در بحث ترجمه قرآن، اصطلاح (ترجمه لفظی قرآن) به عنوان اصطلاح مرجح شناخته شده و اصطلاح دیگر، غیر مرجح (مترادف و شبه مترادف) و به اصطلاح مرجح با علامت اختصاری (بک) ارجاع شده است، بدین گونه: ترجمه تحت اللفظی قرآن، ترجمه ادبی قرآن، ترجمه ادیبانه قرآن، ترجمه مساوی قرآن، ترجمه حرفی قرآن، ترجمه ظاهری قرآن، ترجمه مقید قرآن، ترجمه کلمه به کلمه قرآن، ترجمه لفظ به لفظ قرآن. این نوع سیستم ارجاع، حکایت از گستردگی ارجاعات دارد، ولی درباره همه اصطلاحات - با وجود مترادفات فراوان آنها در منابع - این گونه اعمال نشده است. نمونه‌هایی که در زیر بند ب (شماره های ۳ و ۲) آورده شد، بخشی از این مصادیق است. همچنین در نمونه‌های فراوانی، اصطلاحاتی که مطابق با قواعد عربی به «ین» جمع بسته شده‌اند، به اصطلاحات مترادفی که در فارسی با «ان» جمع بسته می‌شوند، ارجاع شده است؛ مانند: «حافظین قرآن» بک: «حافظان قرآن»، «مترجمین قرآن» بک: «مترجمان قرآن»؛ ولی این نوع ارجاع اگر هم صحیح باشد - آن گونه که در برخی از اصطلاح‌نامه‌های بین‌المللی، تفاوت رسم الخط برخی از کلمات لحاظ گردیده است - نیاز به یک روند منطقی و منظم دارد؛ به عنوان نمونه بنگرید: اصطلاحات «مترجمان... قرآن» حدود ۴۸ بار به کار رفته است، ولی فقط چهار بار اصطلاح «مترجمین... قرآن»

به «مترجمان... قرآن» ارجاع شده است و بدین گونه: مترجمین آسیایی قرآن، مترجمین اروپایی قرآن، مترجمین افریقایی قرآن، مترجمین قرآن و اصطلاحات دیگر ارجاع نشده است. اگر گفته شود که این چهار نمونه، اصطلاح اعم (ا.ع) بوده، از این رو ارجاع در آنها آورده شده است، در جواب می‌گوییم که اصطلاح «مترجمین قرآن» نسبت به همه ۴۷ اصطلاح دیگر اعم است و اصطلاحات «مترجمین آسیایی قرآن»، «مترجمین اروپایی قرآن»، «مترجمین آفریقایی قرآن» اخص است، هرچند نسبت به اصطلاحات زیر بخش خود، اعم هستند. افزون بر آن که این نوع اعمال سلیقه، در مقدمه برای خواننده توضیح داده نشده است. نیز اگر گفته شود که در مآخذ علوم قرآنی، فقط به همین چهار اصطلاح برخورد شده که با «ین» جمع بسته شده، می‌گوییم که در مآخذ اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، اصطلاحات «مترجمین فرانسوی قرآن»، «مترجمین آلمانی قرآن»، «مترجمین انگلیسی قرآن»، «مترجمین ایتالیایی قرآن» و... به چشم می‌خورد. همچنین دو اصطلاح «تراجم قرآن» و «تراجم قدیم قرآن» به اصطلاحات «ترجمه‌های قرآن» و «ترجمه‌های قدیمی قرآن» ارجاع شده است، ولی ده‌ها اصطلاح دیگر، همچون: «تراجم جدید قرآن»، «تراجم اروپایی قرآن» که در مآخذ اصطلاح‌نامه آمده، به اصطلاح مرجح ارجاع نشده است، از این رو آوردن دو اصطلاح یادشده در اصطلاح‌نامه ترجیح بدون مرجح است یا اصطلاحات مرکب فراوانی با پیش‌واژه (مفسران) آورده شده که حتی یک مورد (مفسرین) به آن ارجاع نشده است. در این بخش نمونه‌هایی از این دست بسیار فراوان است که به یک سیستم منطقی تدوین شده، نیاز دارد. در بخش نخستین کتاب (نمایش الفبایی) در زیر هر اصطلاح به تناسب، یک یا چند اصطلاح مرجح (بک)، غیرمرجح (بج)، اعم (ا.ع)، اخص (ا.خ)، وابسته یا همبسته (ا.و)، رأس (ا.ر)، یادداشت دامنه (ی.د)، و عبارت راهنما دیده می‌شود که همگی براساس یک نظم منطقی چیده شده است؛ مثلاً در زیر یک اصطلاح اخص، مانند: (نزول تدریجی قرآن)، اصطلاح اخص دیگری با علامت اختصاری (ا.خ) دیده نمی‌شود، زیرا اخص اخص و اعم اعم را در زیر هر اصطلاح یادآور نمی‌شوند. بلکه در زیر این اصطلاح، اصطلاح اعم (ا.ع) (نزول قرآن) دیده می‌شود. این زیر مجموعه‌های اصطلاحات، از سودمندترین موارد برای یک پژوهشگر علوم قرآنی است؛ زیرا جایگاه اصلی هر اصطلاح و ارتباط آن را با مجموعه اصطلاحات علوم قرآنی درمی‌یابد؛ ولی گاهی برخی از اصطلاحات زیربخش‌ها حذف شده و برخی از تناسب منطقی برخوردار نیست، مانند: حذف اصطلاحات وابسته (ا.و) (تفسیر عرفانی)، (مفسران عرفانی) از زیربخش اصطلاح (تفاسیر عرفانی) (ص ۱۷۸) و (منکرین تفسیر به رأی) از (تفسیر به رأی) (ص ۱۸۲)، و (تفاسیر صحابه) از (تفسیر صحابه)، (ص ۱۸۳) و (تفسیر به رأی) از (منکرین تفسیر

به رأی (ص ۳۱۱)، و (سور) از (ثواب سور)، (ص ۱۰)، و (منابع کتابی علوم قرآنی) از (منابع غیر کتابی علوم قرآنی)، (ص ۳۱۰) و... نمونه‌های دیگری از فهرست یک رده که اصطلاحات اعم (اع) از زیربخش‌های اصطلاحات حذف شده‌اند، بدین گونه است: (تفاسیر قرآن) از (تفاسیر تابعین)، (ص ۱۷۷)، (تفاسیر قرآن) از (تفاسیر صحابه) (ص ۱۷۸)، (تفسیر اهل سنت) از (تفسیر حنفیه)، (ص ۱۸۳).

برخی از زیربخش‌ها نیز با اصطلاح اصلی سازگاری ندارد؛ برای نمونه اصطلاح (قرآن) (ص ۲۵) دارای شش اصطلاح وابسته است که دست کم اصطلاح (تضمین قرآن) و (تکسب به قرآن) به عنوان وابسته سازگار نیست و اصطلاحات (ترجمه قرآن) و (تفسیر قرآن) سازگارتر است.

۲-۶- اصطلاحنامه معارف قرآن

ارجاع دقیق و کامل در دایره‌المعارف‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و سرعنوان‌ها فواید فراوانی دارد. قاعدتاً باید در مقدمه از اصطلاحات و از جمله اصطلاحات مترادف آماری ارائه می‌شد تا به صورت میانگین حدّ ارجاعات گمانه‌زنی می‌شد که این کار نشده است؛ ولی با جست‌وجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن مشاهده می‌شود که اصطلاحات غیرمرجح بر اساس یک تصمیم قبلی و سیاست‌گذاری منطقی و بر اساس نوع کاربرد اصطلاحات صورت نگرفته است. برای مثال در مقدمه (ص ۱۲) «اثم» و «ذنب» به «گناه» ارجاع شده است، ولی در متن به «گناهان» ارجاع داده‌اند (ص ۲۱۷ و ۳۵۱) به گناهان ارجاع داده شده است.

«مبطلات اعتکاف» زیرمجموعه «احکام اعتکاف» آمده، در حالی که تنها زیرمجموعه «مبطلات اعتکاف» «آمیزش» ثبت شده است و از مباشرت با زنان، مجادله و... که در کتب تفسیری از آن سخن به میان آمده، خبری نیست. همین اتفاق را در «شرایط اعتکاف» نیز مشاهده می‌کنیم (ص ۳۲، ۸۳ و ۳۶۴). معتکف می‌تواند به اعتکاف وابسته شود و اصلاً نیامده است.^۱ در صفحه ۱۸۵ تفسیر وابسته به علم تفسیر شده است و هیچ رابطه‌ای با تفسیر قرآن پیدا نکرده است.^۲

۱. معتکف یکی از واژه‌های مهم و قابل ارجاعی است که باید در این اصطلاحنامه قرار می‌گرفت و حد اقل به اعتکاف وابسته می‌شد. تدوین‌کنندگان این اصطلاح را نیاورده‌اند. در حالی که مواد دیگری را به اعتکاف مرتبط کرده‌اند که خیلی ضرورت ندارد. مثلاً از سویی «آمیزش در اعتکاف» را پذیرفته‌اند و از سویی دیگر «آمیزش» را زیرمجموعه مبطلات اعتکاف آورده‌اند. در حالی که این دو واژه در باب اعتکاف یک معنا دارد و تکثیر آن نازیاست.

۲. هر چند مشخص نشده است که منظور از تفسیر چیست، آیا تفسیر قرآن است یا علم تفسیر. به هر حال با انتخاب تفسیر به رأی به عنوان زیربخش تفسیر، موارد دیگری مانند تفسیر موضوعی، تفسیر آیه به آیه، تفسیر قرآن با قرآن و غیره نیز وجود دارند.

برای «حاکم سیاسی» فقط سه مترادف حکام، سلطان و والی انتخاب شده، در حالی که مترادف‌های دیگری مانند شاه، پادشاه و ملک قابل ارجاع است. پادشاه به عنوان اصطلاح مستقل آمده است (ص ۱۷۱). وثن^۱ (ص ۴۳۲) به بت‌ها ارجاع شده و اوئان (ص ۱۰۲) نیز انتخاب شده و به بت‌ها ارجاع شده است.^۲

در بخش ترسیمی اصطلاحات با تنظیم معنایی در زیر بخش توصیفگرهای تکرار شده است؛ مانند: زیرمجموعه‌های حیوانات اهلی، چهارپایان، حیوانات بارکش، حیوانات خشکی عموماً با مختصری جابه‌جایی تکرار شده‌اند. قاعدتاً باید در اولین مرتبه کاملاً ذکر می‌شد و در بخش‌های بعد به آن ارجاع می‌گشت. از سوی اصطلاحات مهمی در معارف قرآن کاربرد دارد و در این حوزه معرفتی دارای اهمیت خاصی است؛ ولی در نظام درختی دیده نمی‌شود؛ مانند تشریح، تبلیغ، تجسم عمل، تذبذیر، اسراف، مطهرات و موارد فراوان دیگر که فقط وابسته منظور شده یا اعمی برای آنها مشخص نشده است و علت اصلی آن است که از ابتدا رده‌های اصلی متناسب با پهنه واقعی معارف قرآن انتخاب نشده و انحصار رده‌های معارف قرآن در چهار رده اصلی سبب شده است که بسیاری از اصطلاحات مهم و کلیدی که قطعاً در نظام درختی معارف قرآن می‌توانند قرار گیرند، خارج شوند؛ مانند: نام‌های قیامت که حدود چهل نام قرآنی برای آن در بخش الفبایی ردیف شده است، نام‌های بهشت، نام‌های محمد^(ص)، مطهرات و نجاسات که هر کدام زیربخش‌هایی دارند؛ لذا بهتر بود برای جای‌دهی اصطلاحات فراوان معارف قرآنی که در نظام درختی در بخش الفبایی هستند، از قاعده مقوله‌سازی برای رده‌های اصلی استفاده می‌شد. یکی از کارهای بسیار مشکل و در عین حال مهم برای تدوین‌کنندگان اصطلاحنامه‌ها، جست‌وجو و استنباط روابط ساختاری اصطلاحات است، روش کار این چنین است که ابتدا اصطلاح از منابع استخراج شود و روابط پیشنهادی به گروه علمی برای بررسی و تصویب ارسال گردد. حداقل روابطی که باید به دقت بررسی شود، عبارت است از رابطه مترادف (هم‌ارز)، رابطه سلسله مراتبی (اعم و اخص) و رابطه وابستگی. رابطه وابستگی کمترین اهمیت را در این مرحله از بررسی دارد، اگرچه اصل وابستگی در اصطلاحات کم‌اهمیت نیست؛ یعنی وقتی گروه علمی نتواند در سلسله مراتب جایی را برای اصطلاح پذیرفته شده پیدا کند، ولی یک نوع ارتباطی را تشخیص دهد، این ارتباط می‌تواند وابسته تلقی شود و برای اینکه اصطلاحات وابسته بیش از حد گسترش پیدا

۱. با اینکه در «وثن» مفرد و جمع هر دو پذیرفته شده، در همان توصیفگر (بت‌ها) اصنام و انصاب به شکل جمع انتخاب شده است و از مفرد آن ارجاعی هم تهیه نشده است و این ناهماهنگی حکایت از عدم سیاست‌گذاری در گزینش جمع و مفرد دارد.

۲. کتاب را از این دید نگاه کنید که بسیاری از اصطلاحات اساسی فقط رابطه وابستگی دارد یا اصطلاحات اخص قابل توجهی ذیل آنها قرار گرفته (اصطلاحات تابع دارند) ولی اصطلاح اعم و بالا دستی آن مشخص نشده است (اصطلاحات حاکم ندارند) مانند صفحات ۱۱۳، ۱۱۲، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۶۱، ۹۴، ۱۶۹، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۶، ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۸۱، ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۴ و غیره.

نکند، به سیاست‌گذاری نیاز دارد؛ مثلاً ممکن بود «نام‌های قرآنی» به عنوان یک مقوله ساختگی پذیرفته شود و بخش قابل ملاحظه‌ای از معارف قرآنی که با عناوین نام‌های بهشت، نام‌های جهنم، نام‌های سور قرآن، نام پیامبران، نام‌های قیامت، نام‌های اماکن مقدس، مانند نام‌های کعبه، مکه و نظایر آن ذیل آن با یک نظم دلپذیر و قابل استفاده برای محققان ردیف می‌شد و بدین ترتیب اصطلاحات فراوانی در سازمان درختواره‌ای اصطلاح‌نامه جا پیدا می‌کرد (ص ۳۴) و فقط اصطلاحاتی وابسته فرض نمی‌شد. یکی از اصولی‌ترین فرآیندها در تدوین اصطلاح‌نامه چینش منظم اصطلاحات با رعایت سلسله مراتب مفاهیم آنهاست. به شکلی که اصطلاحات از جزئی‌ترین واژه خاص (اخص) تا بالاترین رده در یک نظم پلکانی و منطقی چیده شوند. ردیف‌شدن زیرمجموعه‌ها در صورتی که با اعم و اعم‌تر شده اصلی کشانده شود، بسیار مفید خواهد بود و از سودمندترین موارد برای پژوهشگران به شمار می‌آید؛ زیرا جایگاه اصلی هر اصطلاح و ارتباط معنایی و منطقی آن را با مجموعه اصطلاحات پیرامون درمی‌یابد مانند:

معارف قرآن

احکام

محرمات

گناهان

گناهان کبیره

بیش از ۴۰ اصطلاح

با یک بررسی اجمالی دیده می‌شود که اصطلاحات قابل توجهی در این بین رها شده‌اند و به سلسله مراتب اتصال ندارند. زیربخش اماکن تاریخی و اماکن مقدس، اصطلاحات معروف و مهمی ردیف شده است، ولی چون اخص اماکن فرض شده‌اند و اماکن هم اعمی ندارد، بلا تکلیف رها مانده‌اند و عجیب آنکه اماکن تاریخی از قبیل غار حرا، غار اصحاب کهف، غدیر خم، عرفات و... در رده تاریخ هم جایی نیافته‌اند و ظاهراً به این جنبه اساسی توجهی نشده و اگر هم سیاستی مدنظر بوده، نیامده است. ضمناً توضیحگر معمولاً برای جداسازی اصطلاحات مشابه استفاده می‌شود، ولی مواردی طبق وعده عمل نشده است؛ مثلاً حکم (ص ۱۸۳) پنج مورد گزینش شده، ولی یکی از آنها بدون توضیحگر است. همچنین در «شاهد»، «شهادت»، «آخر»، «اعلم»، «اعلی»، «باطن»، «بصیر» و «تواب» که فقط یک موردند، ولی توضیحگر گرفته‌اند. از این قبیل فراوان وجود دارد.

جدول شماره ۴ مقایسه ناهماهنگی در سیستم ارجاعات دو اصطلاح‌نامه

اصطلاح‌نامه علوم قرآنی	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	ناماهنگی در سیستم ارجاعات
برای هر اصطلاح مرّجّح (توصیفگر) به طور میانگین، دو اصطلاح غیر مرّجّح (غیر توصیفگر) وجود دارد، ولی با نگرش و جست‌وجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن، دیده می‌شود که اصطلاحات غیر مرّجّح بر اساس یک تقسیم منطقی و برگرفته از نوع کاربرد اصطلاحات، انجام پذیرفته است؛	با جست‌وجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن مشاهده می‌شود که اصطلاحات غیر مرّجّح بر اساس یک تصمیم قبلی و سیاستگذاری منطقی و بر اساس نوع کاربرد اصطلاحات صورت نگرفته است.	آیا برای اصطلاحات مرّجّح اصطلاحات غیر مرّجّح منطقی صورت پذیرفته است؟

۷- جمع‌بندی

با توجه به اینکه اصطلاح‌نامه معارف قرآنی و اصطلاح‌نامه علوم قرآنی جزو اولین اصطلاح‌نامه‌های در زمینه علوم قرآنی می‌باشند و پیشینه‌ای چندان قوی در این زمینه وجود نداشته است، بنابراین طبیعی است که چنین مشکلاتی هم در پیش‌روی وجود داشته باشد که امید است در چاپ‌های بعدی این مشکلات پیش‌روی با دقت بیشتری بررسی و مرتفع شود. همچنین نسخه الکترونیکی آن در دسترس قرار گیرد تا پژوهشگران از آن استفاده نمایند. ضمناً هرچند دو اصطلاح‌نامه دارای کم و کاستی‌هایی هستند و می‌توانستند از منابع بیشتری بهره‌گیرند یا اینکه اصطلاح‌نامه معارف قرآنی می‌توانست از مقدمه جامع‌تری بهره‌گیرد، اما با توجه به اینکه جزو اولین تجربه در این حوزه هستند، لذا در ویرایش جدید از نرم افزارهای مدیریت اصطلاح‌نامه برای ویرایش و توسعه و پشتیبان استفاده نمایند. همچنین بروزرسانی توسط یک مسئول انجام پذیرد که اصطلاحات جدید می‌تواند توسط متخصصین و پژوهشگران این حوزه پیشنهاد شود یا توسط نمایه‌سازانی که مواد جدید را نمایه‌سازی می‌کنند، به نظام وارد شوند که برای این کار نیازمند متخصصی می‌باشد که اصطلاحات وارد شده را به طور منظم بازمینی نماید. در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای تمامی پژوهشگران این حوزه ذکر نکاتی را لازم می‌دانم:

۱. امید دارم در ویرایش بعدی این دو اثر، تمام کاستی‌های آن‌ها به گونه‌ای شایسته برطرف شود تا به عنوان نخستین کتاب درباره اصطلاحات معارف قرآنی و علوم قرآنی مورد بهره‌برداری محققان و مؤسسات این حوزه‌ها قرار گرفته و ماندگار بماند.
۲. پیشنهاد می‌شود که با استفاده از منابع وسیع عربی در حوزه معارف قرآنی و نیز بهره‌برداری از این اصطلاح‌نامه‌ها و مستندات موجود در مرکز فرهنگ و معارف قرآن، اصطلاح‌نامه‌ای به زبان عربی تدوین و نه ترجمه و تعریب شود تا جای خالی این نوع اثر را در میان عرب‌زبان‌ها پر کند.
۳. با مؤسسات و سازمان‌هایی که درباره معارف مرتبط با قرآن نقش دارند، هماهنگی کرده و ضمن ترغیب آنان به استفاده از این استاندارد که با زحمات و هزینه‌های فراوانی مهیا شده است، شرایط تکمیل و ارتقای آن را فراهم کنند.
۴. در ویرایش و روزآمدسازی اصطلاح‌نامه از استاندارد ۲۵۹۶۴ که ترجمه آن را ایرانداک چاپ کرده، استفاده شود.
۵. حتی‌الامکان معادل عربی و انگلیسی به اصطلاح‌نامه اضافه شود.
۶. وب سرویس اصطلاح‌نامه در اختیار کاربران داخل و خارج کشور قرار گیرد.

۸- منابع

- (۱) آوستین، درک و دیل، پیتر؛ ۱۳۶۵، راهنمای تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه یک‌زبانه؛ ترجمه عباس حرّی؛ تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
- (۲) اتحادیه بین‌المللی مرکز مدارک (فید)، ۱۳۵۲، اصطلاح‌نامه علم اطلاع‌رسانی، ترجمه محمد حسین دانشی و عبدالحسین آذرنگ، مرکز اسناد فرهنگی.
- (۳) ایچسن، جین، آلن گیلکریست، دیوید بادن، ۱۳۸۵، تدوین و کاربرد اصطلاح‌نامه، ترجمه محسن عزیزی، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- (۴) براوتن، وندا، ۱۳۸۸، ضرورت‌های ساختاری اصطلاح‌نامه. ترجمه نرگس زندی روان، چاپار.
- (۵) حریری، مهرانگیز، ۱۳۶۱، اصطلاح‌نامه در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات (۱). اطلاع‌رسانی. دوره ششم، ۱ و ۲ (۱۳۶۱)، ص ۶۰-۶۷.

- (۶) حسینی بهشتی، ملوک السادات و دیگران، ۱۳۷۵، اصطلاح‌نامه مبادله اطلاعات (نما)، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ص ذ (مقدمه).
- (۷) حسینی بهشتی، ملوک السادات، ۱۳۹۲، ساخت واژه: اصطلاح‌شناسی و مهندسی دانش، چاپار.
- (۸) دستور ساختن واژه‌نامه‌های استاندارد بین‌المللی، ۱۳۴۵، ترجمه پرویز مهاجر، مرکز مدارک علمی.
- (۹) ژان، ویت، اصطلاح‌نامه توسعه فرهنگی، ۱۳۵۸، ترجمه ناصر پاکدامن، مرکز اسناد فرهنگی.
- (۱۰) سلطانی، پوری. و فروردین راستین، ۱۳۶۵، اصطلاح‌نامه کتابداری، کتابخانه ملی ایران، ویرایش دوم.
- (۱۱) شریف جرجانی (علی بن محمد)، ۱۳۰۶ق، التعریفات، المطبعة الخیریه، مصر، ص ۱۳.
- (۱۲) شورای علمی اصطلاح‌نامه، اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا)، ۱۳۷۴، سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی.
- (۱۳) فولادی، اشرف السادات، ۱۳۷۲، کتابشناسی اصطلاح‌نامه‌ها، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران، ۱۳۷۲ش، و اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، ص ۲۰.
- (۱۴) محمدی، فخرالسادات، سیروس علیدوستی، ۱۳۸۶، فرایند تدوین اصطلاح‌نامه، تهران، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- (۱۵) مرکز اسناد و مدارک علمی ایران، ۱۳۶۱، اصول نمایه‌سازی همارا.
- (۱۶) مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵، اصطلاح‌نامه (نظام مبادله اطلاعات علمی - فنی).
- (۱۷) مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵، اصطلاح‌نامه معارف قرآن، قم: بوستان (مرکز چاپ و نشر دفتر تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۵. چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- (۱۸) مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶، اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، قم: دفتر تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم.
- 19) Aitchison, Jean; Gilchrist, Alan. Thesaurus Construction, 1990, A practical Manual. 2nd. ed. London: Aslib.
- 20) ALA Glossary of Library and Information Science. S.V. "Thesaurus";
- 21) Batty, David.(1989), "Thesaurus Construction and Maintenance: a Survival Kit". Database, 12,13-18;
- 22) Chamis, Alice Yanosko, 1991, Vocabulary Control and Search Strategies in Online Searching. New York: Green Wood press.
- 23) Lancaster, F.W, 1986, Vocabulary Control for Information Retrieval. Virginia: Information Resources Press.
- 24) Milstead, Jessica L. "Thesaurus Management Software". Encyclopedia of Library and Information Science. Vol. 51, PP. 380-390;
- 25) Pollitt, A.S, 1989, Information Storage and Retrieval Systems: Origin, Development and Application. Chichester: Ellis Horwood, New York: Halsted Press.
- 26) "Thesaurus". Encyclopedia of Library and Information Science, Vol. 30, PP. 417-456;
- 27) Webster's Third New International Dictionary of the English Language. Vol. 3, S.V. "Thesaurus".

A comparative study of Islamic and Quranic sciences thesaurus

Toraj, heidari; Master of Archival Studies and Journalism program at Tehran University and an expert on Islamic Culture and Thought Research Center of Academic Affairs, toraj_heidari@yahoo.com.

Molok alsadate Hosseini behshti; PhD in linguistics General and Assistant Professor of Information Sciences and Technology, beheshti@irandoc.ac.ir.

Elham bassaty; Tehran Municipality Cultural and Social Affairs legal expert Expert

Abstract

This study examines the comparative strengths and weaknesses of the thesaurus and thesaurus Quranic teachings of the Koran. In today's society where the documents are kept electronically, retrieval and dissemination of information for the development of research, much greater importance of saving documents and thesaurus that is the basis for indexing in various sciences, One of the solutions for storing, organizing and classifying information in information science in recent decades. The study was a comparative study and use of library and archival resources with comparative analysis.

After collecting the data, and the Hmgzashtn them according to criteria such as ratings, defects, removing inconsistencies in terminology and referral system, two terms have a comparison. The results suggest that although Quranic terminology of useful introduction and broader and more resources than Quranic terminology is used, In terms of content, such as Islamic terminology has done. The two thesauri are no developer support; For those who keep updating thesauri, thesaurus Mtrf must build systems that basic needs, Access and use of the thesaurus management software that you do some research and do other centers.

Keywords: a Quranic term, recovery, so a knowledge of the Quran indexing, comparison.



تورج حیدری متولد ۱۳۵۶ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مطالعات آرشویی از دانشگاه تهران است. ایشان هم‌اکنون کارشناس امور هیات علمی و کارکردسنجی و برنامه نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. تدوین مجموعه مقالات، اصطلاحنامه و پژوهش‌های مرتبط با آن از جمله علائق پژوهشی وی است.



ملوک‌السادات حسینی بهشتی، دانش‌آموخته دکترای تخصصی دانشگاه تهران در رشته زبان‌شناسی همگانی است. ایشان هم‌اکنون استادیار و رئیس پژوهشکده مدیریت دانش پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است.



الهام بساطی متولد ۱۳۶۱ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته حقوق است. ایشان هم‌اکنون کارشناس امور اجتماعی فرهنگی در شهرداری است.